

زهر خنده بر لبانت

زهر خنده بر لبانت

حکایت درد دارد بانو

ناشکفته، پژمرد دستانت

ناشکفته، افسرد لب هات

بانو به دوش بگیر!

تحمّل کن!

زخمی دشنه هرزه چشم های شهر!

زخمی بوسه و پولک!

مردان قبیله مرده اند بانو

نوعروس گورستان!

هم بستر جنازه های حقیر!

مهرت چند پشته درد بود؟

بخند بانو،

خنده می آید به ویتترین مغازه ها

بخند!

با تو سنگ درد ندارد

بخند!

سنگ درد ندارد ولی

به چشمانت که می خورد

می فهمی

دیگر عروس نیستی

هیچ گاه عروس نبوده ای!

مهر ۸۸

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.iwsn.org/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharzarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری